

روزنامه		
ادبیات • موسیقی		
مردم از موسیقی کت‌وشلوا ری خسته شده‌اند	صفحه ۸	
عباس قادری: لس آنجلسی‌ها کارهایم را کپی کردند	صفحه ۸	
بخشی از «فرهنگ طهرونی» در موسیقی کوچه‌بازاری است	صفحه ۹	

عطف کتاب	

نمایشنامه‌های تازه نشر قطره

نمایشی آخر الزمانی

«آدم و حوا» نمایشنامه‌ای است در چهارپرده از میخائیل بولگاکف که مهران سپهران آن را از متن روسی به فارسی برگردانده است.نمایشنامه «آدم و حوا» هم مثل برخی دیگر از کارهای بولگاکف در زمان حیاتش امکان چاپ و اجرای صحنه‌ای نیافت و ۳۰ سال بعد از مرگ نویسنده‌اش در پاریس منتشر شد و در سال ۱۹۸۷ هم امکان چاپش در شوروی به‌دست آمد.این نمایشنامه، زمانی نوشته شد که هیچ‌کدام از نمایشنامه‌های بولگاکف امکان اجرا نداشتند، بعد از آنکه او به‌طور اتفاقی با استالین در تئاتر هنری مسکو گفت‌وگوی کوتاهی کرد به نوشتن «آدم و حوا» پرداخت، که البته این کار هم به سرنوشتی مشابه بسیاری دیگر از کارهایش دچار شد. «آدم و حوا» نمایشنامه‌ای است در ژانر آخر الزمانی و با داستانی تخیلی از جنگ با گازهای شیمیایی، تخیل و فانتزی از ویژگی‌های پررنگ آثار بولگاکف و خاصه آثار متأخر او به‌شمار می‌رود که البته این ویژگی در کار بسیاری دیگر از نویسندگان هم‌دوره او هم دیده می‌شود. در مقدمه مترجم درباره این نمایشنامه آمده: «بر خلاف آثار قبلی بولگاکف، این اثر از صراحت گروتسک مخصوص بولگاکف برخوردار نبود و بولگاکف در آن به عرصه‌ای قدم نهاده که تاکنون با نگاشته بود. او تلاش کرد فضای واقعی روسیه را نشان دهد.نوشتن این نمایش نامه هم‌زمان با نگارش رمان بزرگ «مرشد و مارگاریتا» آغاز شد و بعضی از مفسران به‌نوعی رگ‌های شخصیتی مرشد و مارگاریتا را در سرنوشت شخصیت‌های نمایش‌نامه آدم و حوا جستجو می‌کنند.

جست‌و‌جوی‌های بیهود

«و نمایشنامه از ژژ پرک» یا نامهای «اضافه حقوق» و «سیب‌زمینی» این روزها با ترجمه زهره ناصحی به فارسی منتشر شده است. پرک از جمله شناخته‌شده‌ترین نویسندگان فرانسوی قرن بیستم به‌شمار می‌رود و همان‌طور که مترجم هم اشاره کرده، آثارش از پیچیدگی‌های ساختاری زیادی برخوردارند. در ابتدای کتاب مقدمه‌ای مفصل توسط مترجم درباره زندگی و آثار پرک آمده و در آن به «دنیای شگفت‌انگیز» پرک پرداخته شده است. در بخشی از این مقدمه می‌خوانیم: «ژژ پرک نویسنده فرانسوی‌زبانی است که به هم‌بصرایی در آفرینش آثار ادبی او اواخر قرن ۲۰ داشته است. در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی، دورانی که ادبیات فرانسه گذر به قرن جدید را آغاز کرده بود، نوآوری‌های ادبی وی، تصویری نو از قابلیت‌های ادبیات بر جای می‌گذارند، ضمن آنکه بارقه‌ای از آثار ادبی پسر از خود به ارمان می‌آورد و پیشبینان خوش را نیز از یاد نمی‌برد.» مترجم کتاب ویژگی‌های بارز آثار پرک را در چهارمورد برشمرده است. یکی آنکه هیچ‌یک از آثار او شبیه به هم نیستند، دوم آنکه قیدوبندهای ساختاری و بازی‌باکلام و وساطله آنها زبان طنز به‌وفور در آنها دیده می‌شود. دیگر اینکه باوجود تفاوت‌های آثار او با هم، جست‌وجوی بی‌نتیجه و ناکام، تنها مضمون مشترکی است که می‌توان در آثار او یافت و در نهایت هم برگش تازه‌ای از واقعیت و واقع‌گرایی در غالب نوشته‌های پرک دیده می‌شود. در ادامه هریک از این ویژگی‌ها به‌طور مفصل‌تری توضیح داده شده‌اند. نمایش‌نامه اول این کتاب با نام «اضافه حقوق» داستان فرسودگی کارمندی در طول سال‌های خدمت خود در سازمان و در حسرت افزایش حقوقی است که هر روز در طلب آن، سلسله‌مراتب را طسی می‌کند و با هزار تردید و فرضیه و نظر، آرزوی دستیابی به آن را می‌پروزد.

هنوز اول بازی است

«سباز و مرز» عنوان مجموعه‌نمایشنامه‌ای استاز هادی خورشاهیان شامل یازدهنمایشنامه کوتاه که به فاصله زندگی و مرگ می‌پردازند.عنوان نمایشنامه‌هایی که در این کتاب آمده‌اند عبارتند از: «خط آزاد»، «من، تو، او، همه»، «هنوز اول بازی است»، «مرگ نویسنده»، «سرباز و مرز»، «زندان»، «دریا»، «دادگاه خانواده»، «تابوت و پرچم»، «شناخته قوم دریدمر» و «مشتنبه». بنا به توضیحی که در خود کتاب آمده، شخصیت‌های این نمایشنامه‌ها همان آدم‌هایی‌اند که در اطراف ما دیده می‌شوند.«حتی شاید خود ما باشیم،هر چند ممکن است باور نکنیم این آدم‌ها حلات مختلف و متفاوتی از ما هستند. دنیای نمایشنامه‌های سرباز و مرز با همه مدون‌بودن‌شان در نوشتار، نشان‌دهنده دنیای گاه بسیار کوچک و باورپذیر ماست. دنیایی که تلاش می‌کنیم از آن فاصله بگیریم. این یازدهنمایش‌نامه کوتاه، برش‌هایی از جان و جهان ماست که ما را در مواجهه با خوشتن و جهان به‌تصور می‌کنند.

نمایشنامه‌هایی بر بستر تاریخی

«حیات‌نفوس» داستان‌های میان‌روان» با عنوان فرعی دو نمایشنامه همراه، عنوان کتاب دیگری است که این‌روزها توسط نشر قطره منتشر شده است. علی شمس در دو نمایشنامه‌ای که در این کتاب آمده، با نگاهی به بستری تاریخی به نوشتن آنها پرداخته است. در توضیح خود کتاب درباره «سیمین اگرچه سنت کالیسنت» آمده: «حیات‌النفوس و داستان‌های میان‌روان دوکوشش جدا از هم در حوزه تأثیرپذیری از آیش‌خورهای تاریخی است. اولی نگاهی از نزدیک و خودملی به یکی از شی‌های هزارویکشب دارد و دومی در مقیاسی بزرگ‌تر می‌خواهد یک‌بستر و شکوه تاریخی را در چشم‌اندازی پارودیک باززویی کند. به گفته دیگر، ارایه شوخانه از گزاره‌های زبانی و بازیپیدای روایت‌های باستانی در پیچهای کمیک جر-نمایشنامه دوم- منمخضه غالب آن است.

سیمین بهیپهانی و شعر زمان ما

یک در بجه آزادی

«شعر زمان ما» عنوان مجموعه‌ای بود که محمد حقوقی در زمان حیاتش منتشر می‌کرد و در پنج‌جلدی که توسط او به چاپ رسید، تفسیر و تحلیل شعرهای پنج شاعر مطرح معاصر به دست داده شد. نیما، اخوان، شاملو، سپهری و فروغ فرخزاد جدانگانه‌ای از مجموعه «شعر زمان ما» به آنها پرداخت. اما بعد از مرگ حقوقی، دوره جدیدی از این مجموعه توسط فیض شریفی منتشر می‌شود. حقوقی اندکی پیش از مرگش ادامه این مجموعه را به شریفی سپرده بود و حالا او عناوین دیگری از این مجموعه را منتشر کرده است. شریفی در پیشگفتار کتاب درباره ششویه تألیف کتاب‌های ایسن مجموعه در دوره جدید توضیحاتی داده از جمله اینکه به‌جز چگونگی سرایش شعرها و زبان شعری، درونمایه، جهان‌بینی و تأثیرپذیری و تأثیرگذاری آنان، ساختار شعری و فضاهای ویژه و توانمندی‌های شاعرانه و ضعف‌های آنان، زمینه‌های سیاسی و اجتماعی و تبیین و تشریح اشعار و دیدگاه شاعران و منتقدان و محققان نیز در انتهای کتاب مورد بررسی قرار گرفته است. به‌جز این، در بخشی دیگر از کتاب‌ها گزیده‌ای از شعرهای شاخص هر شاعر هم آورده شده است.



شعر زمان ما(سیمین بهیپانی) فیض شریفی نشر نگاه

اولین کتاب از دور جدید «شعر زمان ما» به سیمین بهیپانی اختصاص یافته و این کتاب که به‌تازگی به چاپ دوم رسیده توسط انتشارات نگاه منتشر شده است. کتاب با زندگینامه بهیپانی شروع شده و در ادامه به شاخصه‌ها و ویژگی‌های شعری او پرداخته شده است. در بخشی که به شاخصه‌های شعری بهیپانی اختصاص دارد، درباره یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شعری او آمده: «طبع آزمایی او در اوزان سنگین عروضی و خالقیت او در کشف اوزان جدید، ریختن بن‌مایه‌های سیاسی- اجتماعی در قالب غزل و محدودیت‌زدایی مضمونی از این قالب، تـرنـگ تغزلی بکر و مهرورزی زانه و بسط‌دادن موضوعات متنوع، سرکشیدن به زوایای زندگی خود و مردم روزگارش شاخصه‌های اصلی شعر او را تشکیل می‌دهد. پیوند غزل با جهان امروز از مهم‌ترین کارهای بهیپانی در شعر‌هایش بوده و کتاب درباره این ویژگی شعرهای او نوشته: «سیمین اگرچه سنت کالیسنت شعر فارسی را ادامه داده ولی توانسته بار گران مضامین روز را به‌دلیل کوتاهی غزل و سادگی و خوش‌آهنگی و پربراری عاطفی، در بطون این-هم‌انکون خرم وی را ز رعیت‌های اهل سیاهنوش پیمانه شده نزدیک به پایان بود. در املاک بسیاری از مالکین غرب به‌خصوص آنها که خرده‌ماتر بودند، خرم‌ وقتی که به چارو کردن زمین می‌رسید، کار پیمون تمام شده به حساب می‌آمد؛ کوزله‌ها نیز هرچه بود مسال رعیت بود.» چاپ نهم «شادکامان دره قرسو» این‌روزها توسط نشر نگاه به چاپ رسیده است.



تلخ و هجوگونه، «سبکبار» اند و این سبکباربودن وقتی به‌خوبی آشکار می‌شود که در قصه دوم که یک شارلاتان به قصد چپاول به آبادی‌شان می‌آید و می‌خواهد اجناسشان را بفرد، آنجا هنر مشتی ات‌واشغال اسقاطی چیزی برای فروش ندارند و جالب اینکه چپاولگران گاه موجودات موهومی هستند که از ته شب تاریک و دریای توفانی، از میان موج و گرداب‌های هایل از راه می‌رسند. گاهی هم که شخصیت‌های کتاب راهی به رهایی از گرسنگی می‌یابند- مثل قصه ماقبل آخر- گرفتار بلای طبیعی و اشباح و هیولاهای دریایی می‌شوند و لنج‌شان به گرداب می‌افتد و دست آخر، مال از کف داده، دست از پا درازتر، به ساحل بازمی‌گردند. «ترس و لرز» با اینکه در جنوب اتفاق می‌افتد اما به‌هیچ‌وجه قصه اقیلمی نیست. ساعدی در ری ترسیم واقع‌گرایانه جغرافیای جنوب نیست دیالوگ‌ها نیز فاقد لهجه جنوبی‌اند. جنوب در «ترس و لرز» بیش از آنکه جنوب جغرافیایی باشد، یک جنوب مفهومی و مصطلح است.

در بیشتر قصه‌های «ترس و لرز» با مواجهه شخصیت‌های داستان با عاملی خارجی و بیگانه و شیخ‌گونه رویه‌بر هسـتیم. واکنش آدم‌های ثابت و ایستای قصه‌ها در برابر این متغیرهای بیگانه همواره انفعالی است. آنها بیشتر تماشاگرند و منتظر که عاقبت چه خواهد شد. طبیعت «ترس و لرز» طبیعی است ناسازگار با آدم‌ها؛ طبیعی که با اشباح دست به یکی کرده است تا آدم‌های حاشیه‌ساحل را به تباهی بکشد. ساعدی روند تباهی را دره‌ر ترسیم کرده تا در نهایت به تباهی کامل برسد و در قصه پایانی می‌بینیم که آدم‌ها به دست خودشان دست به کار نابودی یکدیگرند. همچنین در جهان آدم‌های «ترس و لرز»، «امیل» مفهومی ندارد. «امیل» برای آنان سوزهای اشرافی است که آنها را راهی به آن نیست و ابژه میل یا چنانکه در قصه دوم می‌بینیم نصیب غریبه‌ای می‌شود که دست آخر نغشی از آن روی دست مردم به جا می‌گذارد یا مانند قصه آخر، یک امر نمایشی دستنیافتنی است که شخصیت‌ها تنها می‌توانند نگاهش کنند و حسرت بخورند. تنها زاد و ولدی که در کتاب اتفاق می‌افتد در همان قصه دوم است که آن هم حاصل موجودی است میان ماهی و آدم که به دنیا نیامده، می‌میرد. در جغرافیای فقیر قصه‌های ساعدی گرسنگی راه به زایایی نمی‌دهد. در این جغرافیا تنها چیزی که گسترش می‌یابد، نیستی و مصیبت است. حتی در قصه آخر که آدم‌ها سیر می‌شوند، این سیرشدن به انهداشـان می‌انجامد، چراکه فرلوانی امری است که نه‌از دل تکاپوی خود آدم‌ها که از بیرون و به‌مثابه امری موقتی به آنان هیه شده است. امری که خود حاشیه‌نشینان ساحل در تحقق آن دخیل نیستند. آنها ماهیگیرانی هستند که ماهیگیری نمی‌نـانـد. دریا می‌رود و دست خالی برمی‌گردند. تنها یکبار در حال تکاپو برای ماهی گرفتن می‌بینیم‌شان که آن هم حاصلش جز تور خالی نیست: «زکریا که دید دماش به در تـریا می‌رود خم شد و شروع کرد به دسته‌کردن دام. محمد احمد علی هم توش را گرفت و کشید بالا. زکریا گفت: «هی محمد احمد علی! محمد احمد علی گفت: «امتو نگاه کن.» تور محمد احمد علی پر بود از ماهی‌های ریز و سیاه و خاردار که با سماجت زور می‌زدند و می‌خواستند خود را از شبکه‌های دام‌ها رها بکنند. اول محمد احمد علی و بعد زکریا با ترس تورهـاـشـان را محکم تکان دادند و ماهی‌ها ریختند توی دریا و باعجله از آب آمدند بیرون.» اینجااست که مفهوم دام‌گذاشتن هم در ترس و لرز وارونه می‌شود. آدم‌های ترس و لرز، دام می‌گسترند بی‌خبر از دامی بزرگ‌تر که برای آنها گسترده شده است. همچنین است مفهوم سیرشدن که در قصه آخر، وارونه می‌شود و هنگامی که دست «ایر دست» در هیات سران مرفه کنشـی بیگانه، نخ عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی را رقیچی می‌کند، آن عروسک‌ها (همان آدم‌های کتاب که بیشتر به آدمک می‌مانند) آماس کرده از خوراکی که آن ایردست به آنها خوراند، روی زمین قل می‌خورند و سیرشدشان، مقدمه گرسنگی و نابودی عظیم‌تری می‌شود؛ انهدام کامل؛ این‌گونه است که جغرافیای ترس و لرز در پایان کتاب، به‌نمائی در محاق فرو می‌رود، انگار که اصلا از آغاز وجود نداشته است: «شب تیره و دیرپایی بود، ماه بالای بر که ایوب، سوخته و تمام شده بود...» تمام.

«عنوان، برگرفته از جمله پایانی گفتار فیلم **اموج و مرجان** و **خارای ابراهیم گلستان** است: **و ملک مروارید آرمیده و مرجان ماهی سپرده به تقدیر را نصیبی نرسید جز این شیر آب‌لود.**»
داشت و تمام راه را در گرمای خردامه‌ها پیاده و به شتاب پیموه بود ایدا احساس خستگی نمی‌کرد. زن کدخدا بوجان سیاهگلکی میهماندار او و پدرش در ده، همین که از دور به همهمه سگ‌ها متوجه ورود وی شد تا جلوی لاجیق‌ها به استقبالش دوید و با آنکه محسوسا خلق خوشی نداشت به شیرین‌ترین لفظ‌ها و تکیه‌کلام‌ها قربان صدقه‌اش رفت و به وی خبر داد که روستاییان هنوز میان رودخانه بر سر سدی که می‌خواستند بنا کنند مشغول تالانشند؛ پدرش استادباشی، آن روز به علت کار فراوان وقت نکرده ناظر به لاجیق‌ها می‌بایورد، تا عصر نیز ممکن است جویبار ده که از رودخانه قرسو کشیده شده بود آبی بشود و کار چندین‌ماهه آنان سرانجام به نتیجه برسد.»
پهرام جوانی است از اهالی شهر که همراه با موج زندگی به روستا پرتاب شده و پدرش هم پیرمردی کرمانشاهی است که حالا در ۶۰سالگی‌اش چیزی جز «ناکلی‌ها و سستی‌های دوران پیری»‌اش ندارد و در این وضعیت حاضر شده در مسیر رود قرسو سدی برای مالکان آنجا بسازد. ماجرای اصلی کتاب با این زمینه شروع می‌شود

چاپ تازه‌ای از «شادکامان دره قرسو»

بافته‌های رنج

نشریه «گین» منتشر شده بود، درباره افغانی و دورمان شوهر آهوخاتم و شادکامان دره‌قرسو نوشت: «من هر دوکتاب افغانی یعنی «شوهر آهوخاتم» و «شادکامان دره

قرسو» را دو شاهکار ادبی بی‌تغییر در زمینه رمان‌نویسی اجتماعی بزبان فارسی در این عهد اخیر می‌دانم و اگر عیب و نقصی در آنها باشد نسبت بمحسنات عالی و مزایای ممتاز آن، آن را با بدای‌زای کوچک و خرد میشمارم که بگفتن و شمردن شاید هیچ نیرزد»

شادکامان دره قرسو با فضایی روستایی شروع می‌شود و بعد توصیفی از فضای روستا و حال‌وهوای اجتماعی آن در زمان داده می‌شود. رمان با سفر پهرام به دهی که پدرش در آن مشغول به کار است، شروع می‌شود: پهرام سوازی که در تاریک و روشن صبح آن‌روز یعنی لحظه‌ای که زنگ ساعت مسجد عمادالدوله با

پنج‌ضربه متوالی پایان شب را اعلام می‌داشت با مادرش بدرد گرفته و شهر را پشت‌سر نهاده بود پس از شش‌فرسخ راه‌پیمایی مداوم اینک موقعی به ده می‌رسید که سه بعدازظهر بود با این وصف و با آنکه بیش از بیست‌کیلو بار

به مناسبت تجدیدچاپ دو کتاب «شب‌نشینی باشکوه» و «ترس و لرز» از غلامحسین ساعدی

و سبکباران ساحل‌ها را نصیبی نرسد*

علی شروقی

شاید کمی کج‌سلیقگی به نظر آید، معرفی «شب‌نشینی باشکوه» به مخاطب علاقمندی که تا به حال ساعدی نخوانده است. ساعدی را با «شب‌نشینی باشکوه» نباید آغاز کرد، که این کتاب آغاز ساعدی است و آنچه معرف سبک ساعدی است در این کتاب یا کمتر به چشم می‌آید یا اگر هست در حد رگه‌هایی است که قرار است در آینده‌ای که اکنون گذشته‌شده به بار بنشیند؛ با این همه آنچه نوشتن از این کتاب و یادآوری آن را برمی‌انگیزد، چیزی است در آن، که همچنان در برابر گذر زمان، سخت‌جانی به خرج می‌دهد و ما زمانی آن را در خواهیم یافت که از پایان ساعدی به آغاز او بازگردیم که این آغاز، همین «شب‌نشینی باشکوه» – دومین اثر داستانی منتشرشده غلامحسین ساعدی بعد از «خانه‌های شهری ری» – است که این روزها به همراه کتاب «ترس و لرز» از طرف انتشارات نگاه تجدیدچاپ شده است. «شب‌نشینی باشکوه» اولین‌بار در پایان دهه ۳۰ منتشر شده‌ای که در سال‌های آغازین آن، کودکان ۲۸ مرداد رخ داد و جامعه ایران را از پس گشایشی کوتاهمدت در زمستان سیاسی درازمدتی فرو برد و از این منظر اگر نگاه کنیم «شب‌نشینی باشکوه» را می‌توان برگردان ادبی و زیبایی‌شناختی کارنامه زبستی مردم ایران در دهه اول بعد از کودتا به شمار آورد. از این رو است که مکان‌ها و فضاهای بسته و خوتناک و کم‌نور و انگار از زیر خاک بیرون آمده قصه‌های «شب‌نشینی باشکوه» به یکی از مهم‌ترین عناصر پربسازنده قصه‌های این مجموعه بدل شده‌اند و ساعدی در این مجموعه- اگر آن را با خود ساعدی در دوران یختگی‌اش قیاس نکنیم- نسبتا خوب از عهده گذردان روح یک زمانه از تخیل هنری برآمده است. جز قصه دوم این کتاب یعنی قصه «چتر» که خیابان در آن حضور دارد، باقی قصه‌ها همه در مکان‌هایی مسقف می‌گذرند و فضای باز تنها به صورت باد و باران‌هایی که از درز در و پنجره‌ها اتاق‌ها را تهدید می‌کنند یا اقتاب کم‌رمقی که از بیرون به داخل می‌تابد در قصه‌ها حضور دارد. شخصیت‌های قصه‌ها هم همه کارمندان ادارات دولتی هستند که ساعدی آنها را از اعماق گردوغبار گرفته و در خاک قرون خفته ادارات، همچون ارواحی سرگردان در متن قصه‌ها احضار کرده است. کارمندیانی همه از خودبیگانه و حل‌شده در نظامی بوروکراتیک که به‌رم ادعای پیشرفت و تحول‌خواهی، جز تحولاتی سطحی و بی‌اثر، ریشه همان‌اند که همیشه بوده‌اند و به همین دلیل است که نطق‌های پرطمطراق پوک روسا و مدیران در‌باره ضرورت تحول، اصوات کم‌چان و ترس‌خورده و تحقیرشده کارمندان دون‌پایه گرفتار تکرار کاری بیهوده و بی‌ثمر و نامه‌های رسمی اداری اصلی‌ترین صداهایی هستند که ساعدی در «شب‌نشینی باشکوه» به نحوی طنزآمیز تقلیدشان کرده است. بوروکراسی و کارمندسلکی در این قصه‌ها به حدی است که گاه خنده و اداره در هم ادغام می‌شوند و از یکدیگر تشخیص‌ناپذیر، چنانکه در قصه «خواب‌های پهرم، اتاق نشیمن این‌گونه‌وصف می‌شود: «پدرم چند دفتر و چندین بغل کاغذ آورده، جلو خود در اتاق نشیمن پهن کرده است، طاقچه‌ها با اسناد هزارنه، دفاتر مختلف، لیست حقوق کارمندان انباشته است.»

با قصه «دایره در گذشتگان» که در آن کارمند دایره در گذشتگان اداره ثبت که کارش «نوشتن اسامی دفن‌شدگان» و ابطال شناسنامه مردگان است در نامه‌ای به پسرعموش می‌نویسد: «زندگی در این دایره به هیچ‌چیز اضافی احتیاج ندارد. کم‌تر از اینجا بیرون می‌روم، من از بیرون، از صحرا، از میدان‌ها، از جاگله‌ی که نشود پناهگاهی در آنجا پیدا کرد، بیزارم از دینن کوچهای گل‌وگشاد و اتاق‌های بزرگ هول می‌شوم و دست‌پا می‌گم می‌کنم. جاهای کوچک را بیشتر خوش دارم. لانهای کوچک و به هم برآمده، جاهایی که میان آنها فاصله زیادی نباشد، برای امثال من بسیار مناسب است. یکی از دو اتاق برای کار اداری است و دیگری مثلا برای زندگی. اتاق اول را با پرونده‌های زیاد پر کرده‌ام و اتاق عقبی را با خرت‌وپرت‌های فراوان که هیچ‌وقت مورد استفاده‌ه نیست. من همیشه در هر دو اتاق ولولام و موقع خواب من، اینجاچون میهم است که تا امروز نتوانسته‌ام این مسأله را حل کنم. من هر صبح خود را در گوشه‌ای می‌یابم، یک روز بالای پرونده‌ها، یک روز زیر میز کار، روز دیگر روی صندلی بیدار می‌شوم» استحالـه خانه در اداره و بالعمـس، در قصه‌های مجموعه «شب‌نشینی باشکوه» در آثار بعدی ساعدی مثل «عزاداران بیل»، جای خود را به استحاله‌هایی از نوع دیگر می‌دهد. همانطور که وهم بر خاسته از ادغام‌ها و استحاله‌های فضاها در یکدیگر و دیوانگی کارمندان این قصه‌ها بعدها در آثار ساعدی ابعدی متفاوت و هولناک‌تر پیدا می‌کند و به ناخصه کار او بدل می‌شود. در «شب‌نشینی

علی‌محمد افغانی بیش از هر کتاب دیگرش با «شوهر

آهوخاتم» شناخته می‌شود؛ زمانی که تصویری از زندگی یک خانواده است و با ماجراهای سیدمیران سـرابی با همسرش آهو و همسر دومش هما می‌پردازد و در پیوند با مسایل و تضادهای روحی و اجتماعی آن دوره نوشته شده و انقلاب در خانواده‌ای کوچک را به تصویر می‌کشد. افغانی در شرایطی شروع به نوشتن «شوهر آهوخاتم» کرد که به زندان افتاده بود و به قول خودش تمام وقتش در آنجا به فکر کردن و نوشتن این رمان می‌گذشت. جمالزاده، هدایت و چوپک نویسندگانانی بودند که افغانی در سال‌های جوانی‌اش بیش از هر نویسنده ایرانی دیگری از آنها تأثیر گرفته بود. اگرچه شوهر آهوخاتم برای چاپ اولش توسط ناشر پذیرفته نشد و خود افغانی آن را به چاپ رساند، اما بعد از انتشارش با استقبال روبه‌رو شد و برای چاپ‌های بعدی‌اش ناشر پیدا

شد و به چاپ‌های متعدد رسید. افغانی بعد از «شوهر آهوخاتم» کتاب‌های دیگری از جمله «شادکامان دره قرسو»، «שלغم میوه بهشته»، «سیندخت»، «بافته‌های رنج»، «اکتر بکتاش»، «همسفر» و «بوته‌زار» را نوشت. مسایلی اجتماعی مثل فقر و بیکاری در درد و رنج مردم جامعه از مضامینی است که افغانی در داستان‌هایش به شیوه‌ای رئالیستی آنها را توصیف کرده است. شادکامان دره قرسو بعد از شوهر آهوخاتم منتشر شد و برخلاف تصویری که خود افغانی داشت، از این رمان به اندازه شوهر آهوخاتم استقبال نشد. با این حال محمدعلی جمالزاده دی‌ماه ۱۳۴۷ در یادداشتی کوتاه که در